

ضرورت اصلاحات پارامتریک برای پایداری صندوق‌ها

افزایش جمعیت سالمند و رشد بازنشستگان، نیاز به ایجاد تعادل میان منابع و مصارف صندوق‌های بازنشستگی را دوچندان کرده است



عکس ترنینی است

در دنیای امروز، تأمین اجتماعی به‌عنوان یکی از ارکان اصلی عدالت اجتماعی، نه‌تنها به حمایت از افراد در برابر خطرات اقتصادی ناشی از بیماری، پیری یا بیکاری می‌پردازد، بلکه نقش حیاتی در تضمین پایداری اجتماعی و اقتصادی ایفا می‌کند. در کشوری همچون ایران که با چالش‌های گسترده‌ای در زمینه توزیع منابع و رفاه عمومی مواجه است، بازنگری و اصلاح در ساختار تأمین اجتماعی ضرورتی انکارناپذیر است. این سیستم که در گذشته بیشتر بر مبنای توزیع منابع محدود بنا شده بود، اکنون باید با رویکردی هوشمندانه‌تر و متناسب با تغییرات جمعیتی، اقتصادی و اجتماعی؛ به‌ویژه در دوران تحول دیجیتال، همگام شود.

آینده تأمین اجتماعی در گرو تصمیمات کلیدی است که نه‌تنها به ثبات مالی این صندوق‌ها کمک می‌کند، بلکه بایستی امکان دسترسی همگانی و منصفانه به خدمات بیمه‌ای را فراهم سازد. در این مسیر، نگاهی جامع به ساختارهای موجود، در کنار ابتکارات جدید در سیاستگذاری می‌تواند تحولاتی شگرف در کیفیت زندگی افراد ایجاد کند. این تغییرات، از «اصلاحات پارامتریک» تا تجدیدساختارهای اجرایی «مسیرپیش‌روی تأمین اجتماعی در ایران را ترسیم می‌کند.

تعادل بین منابع و مصارف

در سال‌های اخیر، تحولات اقتصادی و اجتماعی، به‌ویژه افزایش جمعیت سالمند و رشد چشمگیر بازنشستگان، ضرورت ایجاد تعادل بین منابع و مصارف صندوق‌های بازنشستگی را به امری اجتناب‌ناپذیر تبدیل کرده است. این تغییرات ساختاری، به‌ویژه در قالب اصلاحات پارامتریک، می‌تواند به‌طور اساسی وضعیت مالی صندوق‌های بازنشستگی را دگرگون کرده و بر پایداری آنها تأثیر مثبت بگذارد. صندوق‌هایی که برای حفظ توازن

و جلوگیری از ناترازی‌های فزاینده به این اصلاحات نیاز دارند، به‌ویژه در شرایطی که جمعیت بیمه‌شدگان رو به کاهش و جمعیت بازنشستگان به‌طور مداوم در حال افزایش است، بیش‌ازپیش به این تغییرات نیاز دارند. علی‌جهانی، کارشناس بیمه‌های اجتماعی، در گفت‌وگو با آتی‌هنو، تأکید می‌کند که اصلاحات پارامتریک به‌عنوان یک راهکار ضروری می‌تواند تناسب بین منابع و مصارف صندوق‌های بیمه‌ای را برقرار سازد. این اصلاحات با تغییر در چهار محور اصلی، یعنی سن بازنشستگی، نرخ حق بیمه، نرخ جایگزینی و مدت پرداخت حق بیمه، هم به تقویت وضعیت مالی صندوق‌ها کمک می‌کند و هم باعث افزایش ماندگاری بیمه‌شدگان و بیمه‌پردازان خواهد شد. اصلاحات پارامتریک، در واقع به‌عنوان ابزاری مؤثر، به سازمان تأمین اجتماعی و سایر صندوق‌های بیمه‌ای کمک می‌کند تا در برابر چالش‌های جمعیتی و اقتصادی مقاومت‌تر شوند.

اصلاحات: انتخاب یا اجبار؟

در شرایط فعلی که وضعیت صندوق‌های بازنشستگی در ایران و بسیاری از کشورهای دیگر با چالش‌های جدی در زمینه منابع و مصارف مواجه است، این سؤال مطرح می‌شود که آیا اصلاحات پارامتریک در این صندوق‌ها انتخابی اختیاری است یا یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر؟ در حالی که هنوز آمار و داده‌های دقیقی از وضعیت شاخص‌های مرتبط با اصلاحات پارامتریک در دسترس نیست، کارشناسان بیمه‌های اجتماعی بر این باورند که انجام این اصلاحات نه‌تنها انتخابی برای بهبود وضعیت صندوق‌ها، بلکه اجبار اساسی برای جلوگیری از ناترازی‌های مالی و بحران‌های آینده است.

بدون این اصلاحات، فشار مالی بر دوش دولت و صندوق‌های بیمه‌ای افزایش خواهد یافت و ادامه مسیر

در وضعیت موجود نه‌تنها به ضرر بیمه‌شدگان خواهد بود، بلکه به تهدیدی برای پایداری مالی کشور تبدیل می‌شود. این اصلاحات، با تغییراتی در چهار متغیر کلیدی سن بازنشستگی، نرخ حق بیمه، نرخ جایگزینی و مدت پرداخت حق بیمه می‌تواند به اصلاح تراز مالی صندوق‌ها کمک کند و در نهایت، تعادل منابع و مصارف را برقرار سازد. مهم‌تر از آن، صندوق‌های بازنشستگی تنها از این اصلاحات بهره‌مند نمی‌شوند. در حقیقت، اجرای موفق این اصلاحات علاوه بر بهبود وضعیت مالی صندوق‌ها، به نفع دولت‌ها، بیمه‌شدگان شاغل و غیرشاغل و نسل‌های آینده خواهد بود. با ایجاد تعادل در منابع و مصارف، صندوق‌ها قادر خواهند بود به تعهدات خود در قبال بازنشستگان به‌طور پایدار و به‌موقع عمل کنند.

علی‌جهانی، کارشناس بیمه‌های اجتماعی، در این زمینه اشاره می‌کند که رشد جمعیت سالمند، کاهش نرخ باروری، کاهش تعداد شاغلان و کاهش بازدهی سرمایه‌گذاری در صندوق‌ها، همه عواملی است که بر شدت نیاز به اصلاحات پارامتریک می‌افزایند. از این رو، صندوق‌های بازنشستگی در شرایط کنونی به‌هیچ‌وجه در موقعیت انتخاب یا تعلل نیستند و باید بدون تأخیر به سمت انجام اصلاحات پارامتریک حرکت کنند تا از ورشکستگی و بحران‌های عمیق‌تر جلوگیری شود.

تمرکز بر اصلاحات نسبت پشتیبانی

یکی از دستاوردهای اساسی اصلاحات پارامتریک در صندوق‌های بازنشستگی، بهبود قدرت خرید مستمری بازنشستگان است. در واقع، صندوقی که از منابع پایدار بهره‌مند است، قادر خواهد بود مستمری‌ها را به‌موقع و مطابق با واقعیت‌های اقتصادی پرداخت کند، به‌گونه‌ای که از کاهش قدرت خرید بازنشستگان جلوگیری شود. این تغییرات، به‌ویژه از طریق افزایش تدریجی سن بازنشستگی

که یکی از اصلاحات پارامتریک به‌شمار می‌آید، محقق می‌شود. این افزایش سن نه‌تنها به‌طولانی‌تر شدن دوره بیمه‌پردازی و در نتیجه افزایش مدت زمان پرداخت حق بیمه منجر می‌شود، بلکه سطح مستمری پرداختی به بازنشستگان را در دوران بازنشستگی افزایش می‌دهد. یکی دیگر از مزایای اجرای اصلاحات پارامتریک، شفاف‌سازی نظام بازنشستگی است. در واقع، این اصلاحات با ایجاد شفافیت و عدالت بیشتر در نظام تأمین اجتماعی، موجب می‌شود که بازنشستگان در آینده از مستمری‌های بالاتری بهره‌مند شوند و به این ترتیب عدالت درون‌نسلی و برون‌نسلی در این حوزه تأمین گردد. این نوعی تأمین اجتماعی است که به نسل‌های مختلف از طریق تأمین منابع مالی پایدار، این امکان را می‌دهد که از مستمری‌های منصفانه برخوردار شوند.

علی‌جهانی، کارشناس بیمه‌های اجتماعی، بر این نکته تأکید دارد که باید بین تعداد بازنشستگان و شاغلان در صندوق‌های بازنشستگی تناسبی برقرار باشد. متأسفانه در حال حاضر این تناسب به‌طور جدی به هم خورده است. برای مثال، ماصندوق‌هایی داریم که نسبت بیمه‌شدگان به مستمری‌بگیران آن‌ها به کمتر از یک نفر رسیده است. این وضعیت به‌وضوح نشان‌دهنده چالش‌های عمیق صندوق‌ها در زمینه نسبت پشتیبانی است. در سازمان تأمین اجتماعی نیز این نسبت به کمتر از چهار رسیده که از نظر کارشناسان یک هشدار جدی برای پایداری صندوق‌ها محسوب می‌شود. به همین دلیل، اجرای اصلاحات پارامتریک، به‌ویژه در قالب افزایش تدریجی سن بازنشستگی می‌تواند به بهبود این وضعیت کمک کند و به‌طور مستقیم به پایداری صندوق‌ها و افزایش مدت بیمه‌پردازی منجر شود.

در این راستا، برای جلوگیری از بحران صندوق‌های بازنشستگی، باید شکاف موجود بین منابع ورودی از حق بیمه و سرمایه‌گذاری‌ها با مصارف صندوق‌ها کاهش یابد. کارشناسان بیمه‌های اجتماعی معتقدند که یکی از بهترین راهکارها برای خروج از وضعیت بحران، افزایش درآمد صندوق‌ها از طریق افزایش نرخ اشتغال پایدار و رشد بازدهی سرمایه‌گذاری‌ها است. همچنین، تزیق مستقیم بودجه از سوی دولت یا واگذاری دارایی‌های سودآور به صندوق‌ها می‌تواند به این نهادها کمک کند تا از بحران‌های مالی عبور کنند.

در کنار این مسائل، پرداخت بدهی‌های انباشته دولت به سازمان تأمین اجتماعی نیز یکی از راهکارهای مؤثر در بهبود وضعیت صندوق‌ها به‌شمار می‌آید. این پرداخت‌ها می‌تواند منجر به ایجاد توازن و رفع مشکلات مالی صندوق‌ها شود. علی‌جهانی، هدف نهایی اصلاحات پارامتریک را جلوگیری از ورشکستگی و بحران مالی صندوق‌ها، حفظ تعادل بین درآمدها و مصارف و همچنین برقراری عدالت بین نسل‌ها می‌داند. به گفته وی، منابع صندوق‌های بین‌نسلی باید حفظ و تکامل یابند تا در بلندمدت به پایداری مالی و تأمین مستمری‌های بازنشستگان کمک کنند.

در نهایت، اگر با اجرای اصلاحات پارامتریک، وضعیت پایداری صندوق‌ها بهبود نیابد، بازنگری در میزان مستمری‌ها، پرداخت‌ها، تعهدات و هزینه‌ها ضروری خواهد بود. بنابراین، سازمان تأمین اجتماعی باید با تدوین یک نقشه‌راه روشن و دقیق، در مسیر اجرای اصلاحات پارامتریک گام بردارد تا بتواند به‌طور پایدار منابع صندوق‌ها را مدیریت و مشکلات آن‌ها را رفع کند.

ارائه خدمات داشته باشند. طبق آمار موجود، در سال‌های اخیر، سازمان تأمین اجتماعی موفق به جذب بیش از ۱۵۰ هزار نفر در چارچوب بیمه‌های توافقی شده است. این امر نشان‌دهنده موفقیت طرح در پوشش دادن بخش وسیعی از گروه‌های شغلی خارج از دایره تأمین اجتماعی است. در واقع، بیمه‌های توافقی به‌عنوان ابزاری کارآمد برای ارائه خدمات بیمه‌ای به اقشار کم‌برخوردار و شاغلان آزاد می‌تواند نقش مهمی در تأمین امنیت اجتماعی ایفا کند. تداوم و گسترش این بیمه‌ها، هدف کلان سازمان تأمین اجتماعی را در مسیر «بیمه همگانی» قرار داده است. از این منظر، بیمه‌های توافقی می‌توانند الگویی موفق برای پوشش بیمه‌ای اقشار مختلف جامعه باشند که تاکنون در حاشیه سیستم‌های بیمه اجتماعی قرار داشته‌اند. کارشناسان معتقدند که اجرای این طرح می‌تواند ضربه امنیت اجتماعی را افزایش داده و زمینه‌های جدیدی برای تأمین منابع مالی پایدار برای سازمان تأمین اجتماعی ایجاد کند.

تأمین



یادداشت
O P I N I O N



غلامحسین عابدی‌روش

کارشناس بیمه‌های اجتماعی

نظام چندلایه؛ راهی به عدالت اجتماعی

نظام چندلایه تأمین اجتماعی به عنوان یک رویکرد جامع برای پوشش حمایت‌های اجتماعی، به دنبال تحقق اهدافی چون توسعه عدالت اجتماعی و رفع نیازهای مختلف اقشار جامعه است. این نظام با تقسیم خدمات بیمه‌ای و حمایتی به لایه‌های مختلف، سعی در پر کردن خلأهای موجود در تأمین اجتماعی دارد و می‌تواند به صورت قابل توجهی دسترسی افراد را به حمایت‌های اجتماعی و بیمه‌ای گسترش دهد. چنین نظامی در نهایت می‌تواند به تحقق عدالت اجتماعی نزدیک شود؛ به‌ویژه زمانی که به افراد مطابق با وسع و نیازشان خدمات متناسب ارائه گردد.

برای پیاده‌سازی موفقیت‌آمیز این سیستم، لازم است که سیاست‌گذاری کلان در حوزه بیمه‌های اجتماعی و بازنشستگی با اجرای لایه‌های بیمه‌ای، امدادی و حمایتی صورت گیرد. این تغییرات زمانی میسر است که الزامات قانونی و اجرایی آن نیز به درستی پیاده‌سازی شوند. ابتدا باید این مفهوم مورد تأیید متولیان بیمه‌های اجتماعی و صاحب‌نظران قرار گیرد تا در مرحله بعد، جزئیات لایه‌بندی خدمات و پوشش‌ها با دقت بیشتری طراحی شود. این لایه‌بندی می‌تواند شامل تفکیک خدمات بیمه‌ای و بازنشستگی، سطح‌بندی خدمات و طراحی راهبردهای قیق در سیاست‌گذاری باشد.

نکته‌ای که در نظام چندلایه تأمین اجتماعی حائز اهمیت است، توجه به وسع فردی است. به این معنا که دولت می‌بایست حمایت‌های لازم را بر اساس درآمد و نیاز افراد، به‌ویژه در طبقات آسیب‌پذیر، ارائه کند. این شکل از دسترسی به خدمات یک نوع عدالت اجتماعی محسوب می‌شود؛ هرچند که مقدار این دسترسی بسته به میزان حق بیمه پرداختی به صندوق‌های بازنشستگی متغیر است. بر همین اساس، این نظام باید به گونه‌ای طراحی شود که هیچ کس بدون پوشش بیمه‌ای نماند و تمامی اقشار جامعه، با هر میزان درآمد و شغل، از خدمات حمایتی بهره‌مند شوند.

یکی از جنبه‌های مهم دیگر در نظام چندلایه تأمین اجتماعی، گسترش پوشش بیمه‌ای است که در قالب لایه‌های سه‌گانه پایه، مازاد و مکمل در نظر گرفته می‌شود. این لایه‌بندی، به‌ویژه برای افرادی که در معرض آسیب‌های اجتماعی و اقتصادی هستند، می‌تواند بهبود قابل توجهی در شرایط رفاهی آنها ایجاد کند. در این راستا، شفافیت اطلاعات و تشکیل بانک اطلاعاتی به‌روز از وضعیت رفاهی افراد، شرط ضروری برای شناسایی دقیق نیازمندان و اولویت‌بندی خدمات حمایتی به‌شمار می‌آید. اما برای تحقق این نظام، نیاز به حمایت‌های کافی از جانب مسئولان و سازمان‌های مربوطه وجود دارد. این حمایت‌ها باید شامل ایجاد ساختارهای اجرایی مناسب، تخصیص منابع مالی کافی و توانمندسازی اقشار ضعیف جامعه باشد. تنها در این صورت است که می‌توان با استفاده بهینه از منابع موجود، نظام تأمین اجتماعی چندلایه را به مرحله عملیاتی رساند و به حل مشکلات اساسی سیستم بیمه و بازنشستگی کشور نزدیک شد. در نهایت، هدف اصلی از استقرار نظام چندلایه تأمین اجتماعی، تحقق بیمه اجتماعی برای همه افراد مشمول است.